



شنبه، ۱۹ فبروری ۲۰۲۲

داکتر عبدالرحمن زمانی

تصمیم مهم و آخرین تلاش انگلیس ها برای نصب کردن نادرخان به مسند قدرت

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

طوریکه در اسناد قبلی دیده شد، در پی شکست های متواتر نادر خان و برادرانش در سمت جنوبی و هاشم خان در مشرقی، جنرال نادر خان درخواست کناره گیری و خروج آبرو مندانه از افغانستان را به مقامات انگلیسی در هند بریتانوی میفرستد.

وضعیت مشکل، یاس و ناامیدی نادرخان و خانواده اش را میتوان از اعترافات شاه ولی خان درک کرد. وی تحت عنوان "پلان آخرین" میگوید که «هشت ماه شده که از فرانسه برآمده ایم. اقامت ما در جاجی بطول انجامید. بدون همین نقطه کوچک تقریباً تمام سمت جنوبی قهرا بدست دشمن [سقوی ها] افتاده هوا سرد شده میرود. مردم جاجی از کار تجارت خود مانده در کمال پریشانی بسر میبرند. پناه گزینان گردیز نیز اوضاع اقتصادی آنها را پریشان تر کرده. طیاره های دشمن به نشر اعلان گردش های هوایی خود گاهی تا جاجی می آیند. عسکر منظم نداریم، سلاح و جباخانه نداریم، خیمه و دیگر وسائل تأمین از سرما موجود نیست، سرمایه کافی که این امور را انجام دهد در دست ما نمیباشد. زنان و کودکان ما در زندان دشمن با سختی بسر میبرند... روزها سپری میشود، مردم تنگدل میشوند منتظر اند که سپه سالار فیصله آخرین خود را هرچه زودتر ابلاغ کند. بلاخره یک روزسپه سالار من و سردار شاه محمود خان و الله نوازخان را احضارکرد. نقشه آخرین خود را بما توضیح داد. معلوم است درین چند روز سپه سالار تمام وقت خود را مصروف تهیه و ترتیب این پلان کرده بود». (مارشال شاه ولی خان، یادداشت های من، چاپ دانش کتابخانه، پشاور، صفحات ۸۶-۸۷).

در اسناد دیگر این را هم دیدیم که وضعیت پیش آمده انگلیس ها را به ترس انداخته و ادار ساخت تا با جدیت گزینه های مختلف موجود را مورد بحث و غور قرار دهند.

درین قسمت به خلاصه این گزینه ها پرداخته و می بینیم که چگونه انتخابی که برگزیدند، بحیث آخرین فیصله و تلاش در ظرف یکی دو هفته وضعیت را بکلی تغییر داده و توانستند نادر خان را بر مسند قدرت نصب کنند.

از لابلای اسناد آرشیف انگلستان بمشاهده میرسد که انگلیس ها سه گزینه آتی را مورد غور قرار دادند:

اول- گزینه قبول درخواست کناره گیری و خروج آبرو مندانه نادر خان از افغانستان: طوری که در اسناد قبلی دیده شد به تاریخ ۱۸ ماه سپتمبر سال ۱۹۲۹ میلادی، تقاضای نادر خان برای خروج آبرومندانه اش که علامت شکست ماستر پلان چند مرحله ای استعماری شان بود، انگلیس ها را به ترس انداخت .

این مرحله جدید پلان انگلیس ها در دسمبر سال ۱۹۲۸ میلادی، در اوج اغتشاش شینوار و حملات حبیب الله کلکانی بر کابل، با مراجعه نادرخان به انگلیس ها و تقاضای ملاقات با نماینده حکومت بریتانیا و اعلام آماده گی برای بازگشت به افغانستان آغاز شده بود.

این تقاضا به تعقیب ناکامی کودتاه شاه محمود خان و همراهانش یا شکست توطئه معروف به توطئه پنیاله در دوران سفر غازی امان الله خان به اروپا صورت میگرد که در آن چانس رویکار آمدن نادر خان از دست میرود. پنیاله (Paniala) اسم محلیست در مجاورت پهار پور در دیره اسمعیل خان که اکثر مؤرخین به غلط آنرا پتیاله ذکر کرده اند. طرحی که برای برانداختن رژیم امانی درین منطقه چیده شده بود، در اسناد محرمانه موجود در آشیف انگلستان بنام «توطئه پنیاله» ذکر شده است. درین طرح که در آن روحانیون پرنفوذ، سرداران و مأمورین عالیرتبه دولتی سهیم بودند، کمک قبایل، همکاری چند نفر از صاحب منصبان ارشد اردو و چند تن از والیان وابسته به گروپ توطئه گران نیز در نظر گرفته شده بود. هدف این طرح کودتای بود که در جریان سفر غازی امان الله خان به اروپا در نظر گرفته شده بود. درین کودتا باید محمد ولی خان وکیل سلطنت و اعضای فرقه جدید التاسیس "استقلال و تجدد" دستگیر و اقتدار بدست طرفداران سپه سالار محمدنادرخان که در فرانسه بسر میبرد، انتقال میکرد. اهمیت توطئه پنیاله به حدی بود که "بی، جی، گولد" شارژدافیر انگلیس در کابل، با نزدیک شدن تاریخ آغاز عملیات که ۸ مارچ ۱۹۲۸ تعیین شده بود، در تلگرام مؤرخ ۲۸ فبروری خود از حکومت هند بریتانوی خواهش کرد که نظر به اهمیت موضوع تمام جریانات مربوط به این توطئه به اطلاع لندن رسانیده شود. (عبدالرحمن زمانی (۲۰۱۳)، بازنگری دوره امانی و تقطئه های انگلیس، ص ۳۶۰).

انگلیس ها در موقعیت دشواری قرار داشتند، که یا باید از تمام سرمایه گذاری شان دست شسته و شکست را قبول مینمودند و یا هم مانع فرار نادر خان شده و آخرین تلاش های شان را برای کامیابی وی بخرچ میدادند. چنین وضعیتی دو بار دیگر هم در تاریخ معاصر کشور ما تکرار شد:

۱. توسط استعمار سرخ شوروی در آخر سال ۱۹۷۹ میلادی که یا باید از تمام سرمایه گذاری شان بر حزب دیموکراتیک خلق (هر دو جناح خلق و پرچم) دست شسته و یا هم با ارسال قشون سرخ و تجاوز مسلحانه بر خاک افغانستان از آن دفاع می کردند.

۲. بعد از شکست و خروج نیروهای ارتش سرخ و ناکامی های متواتر حملات مجاهدین احزاب ساخت پاکستان و ایران و متحدین و مشاورین شان بر حکومت دست نشانده داکتر نجیب ، که امریکا یا باید شکست را قبول کرده و یا تصمیم بگیرد تا با ارسال پیشرفته ترین موشک های زمین به هوای شتنگر موافقه کنند.

دوم- گزینه مذاکره و معامله با حبیب الله کلکانی:

گزینه دیگر موجود برای انگلیس ها مذاکره و معامله با حبیب الله کلکانی بود، تا با نجات دادن خانواده نادرخان و دوستانش از چنگ آنان و انتقال شان به محل امن به گفته نادرخان مانع ریختن آبرو و سیه رویی اش شوند. (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب عاجل شماره ۲۶۷۰ مؤرخ ۸ اکتوبر ۱۹۲۹).

کلکانی که فریب چال های نادر خان و برادرانش را تجربه و مقاصد اصلی آنها را شناخته بود، میخواست ازین فرصت پیش آمده استفاده اعظمی نماید.

ترس انگلیس ها درین رابطه بهائی بود که سقوی ها در بدل آزادی خانواده نادر خان میخواست . این ترس از لابلای تلگرام های بین وزیر خارجه بریتانیا برای امور هند و مقامات عالیرتبه انگلیس در هند بریتانوی به وضاحت بمشاهده میرسد، و آن تقاضای برسمیت شناختن رژیم سقوی بود.

TELEGRAM P. TO HIS MAJESTY'S SECRETARY OF STATE FOR INDIA, LONDON,
No. 2811-S., DATED THE 19TH SEPTEMBER 1929.

and Hayatuns and proceed...
If Nadir Khan gives us the undertaking we have asked for, it would probably be best to start negotiations with Kabul in a telegram from our Foreign Secretary. If necessary this could be followed up by an Indian Muslim of religious standing being sent to make local arrangements for the safe removal of the family and disposal of the estate, while his errand might help to break the ice for the subsequent reception if necessary of Habibulla's European mission.

Matter is extremely urgent as whole position is very delicate and cannot be left in suspense. Views of His Majesty's Government are requested urgently by telegram.

مقامات انگلیسی از هند بریتانوی برای گرفتن اجازه تماس با رژیم سکوی نوشت که «اگر نادر شرایط ما را بپذیرد، شاید بهتر باشد تا مذاکره با کابل را با تلگرامی از وزیر خارجه ما آغاز کنیم. اگر لازم باشد به تعقیب آن یک گروهی از روحانیون مسلمان هندی فرستاده شود تا در آنجا ترتیبات خروج مصئون خانواده و واگذاری دارائی را بگیرند... این موضوع بسیار حساس و بی نهایت عاجل بوده نباید به تعویق انداخته شود. نظریات دولت اعلیحضرت را به صورت عاجل از طریق تلگرام تقاضا میکنیم . (تلگرام شماره ۲۸۱۱ مؤرخ ۱۹ سپتمبر ۱۹۲۹ به وزیر امور خارجه برای هند، لندن). در تلگرام جوابیه وزارت امور خارجه انگلستان برای هند به چند نکته مهم اشاره شده است، که عبارتند از:

۱. «منظوری شرایط پیشنهادی شما به جواب نادرخان و اقدامات لازم در کابل اگر برای نادر خان مورد قبول باشد، توسط دولت اعلیحضرت.

۲. با وجود هراس و تردد، ترک پالیسی قبلی مداخله مستقیم تا حدی که اگر اقدامات مورد نظر برای ختم خونریزی امیدوار کننده باشد و از آشفتگی و نزاع اقوام تحت اداره بریتانیا جلوگیری کرده بتواند.

۳. نامناسب بودن و مشروط ساختن بیرون کشیدن نادر خان و خانواده اش با برسمیت شناختن حبیب الله...». (تلگرام شماره ۲۹۹۹ مؤرخ ۲۶ سپتمبر ۱۹۲۹ که بتاريخ ۲۷ سپتمبر رسیده است).

وزیر خارجه برای امور هند در تلگرام بعدی اش بتاريخ (۳۰) ماه سپتمبر هر نوع ارتباط بین آزادی خانواده نادر خان و به رسمیت شناختن رژیم سکوی را رد نموده مینویسد که «منظور ما از مساعی نجات خانواده نادر تا حدی نیست که اجازه دهیم شناسایی [رژیم سکوی] بر ما تحمیل شود. برخلاف، ما، موافقه نموده ایم که شناسایی باید به اساس شایستگی و استحقاق خودش باشد، و اگر حبیب الله آنرا به اساس شرایط وضعیت موجود با رهائی خانواده نادر ربط میدهد، باید آنرا رد نمود». (تلگرام شماره ۲۹۵۸ مؤرخ ۳۰ سپتمبر ۱۹۲۹).

سوم - گزینه اجازه دادن به جنگجویان اقوام سرحد بحیث آخرین تلاش تغییر وضعیت کنونی انتخاب این گزینه، نقطه عطفی بود در پالیسی استعمار انگلیس، و با در نظر داشت علل مختلف سنجیده شده بود:

– انگلیس ها با درسهای دندان شکن و فراموش ناشدنی ای که از دو بار تجاوز مستقیم عساکر شان به خاک افغانستان آموخته بودند، جرئت فرستادن دوباره عساکر شان را نداشتند. برای آنها که دیگر نمیتوانستند احساسات اقوام سرحد را ازین بیشتر مهار کنند، این گزینه بهتر بود و به استناد

شواهد موجود در آرشیف انگلستان یک تعداد از ملیشای اقوام سرحدی که در ایجنسی وزیرستان در بدل معاش استخدام شده و با اسلحه انگلیسی هم مجهز بودند، در صفوف شان جایجا شده بودند.

– انگلیس ها به حبیب الله کلکانی هم که دیگر نقشش را ایفا نموده بود، ضرورتی نداشتند. او برای یک دوره عبوری مد نظر گرفته شده بود، و نمیتوانست منافع آینده انگلیس ها را در افغانستان و مناطق سرحدی حفظ کند.

– چون تا آن زمان مدعیان و کاندیدان دیگر تاج و تخت کابل هم شکست خورده بودند، انگلیس ها نمیخواستند نادر خان میدان را ترک کند.

همان بود که انگلیس ها بحیث آخرین تلاش برای تغییر وضعیت، تصمیم گرفتند تا با ترک پالیسی قبلی به هزاران جنگجوی اقوام وزیر، مسعود و دور سرحد آزاد اجازه دهند تا با اسلحه شان از خط دیورند گذشته و در علیخیل جاجی به نادرخان بپیوندند.

«در اواخر سپتیمیرنادرخان و طرفدارانش دست به عملیات قاطع جنگی زدند. در ترکیب نیروهای نظامی نادرخان که افرادی در حدود دوازده هزار تن را شامل میگردید، اعضای قبایل وزویری، مهمند، خُدران، جاجی، احمدزائی، و منگل شرکت داشتند». (داکتر ویکتور گریکوویچ کارگون (۱۳۶۵) افغانستان در سالهای بیست و سی قرن بیستم میلادی (ترجمه پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی، ص ۱۵۸).

منابع

- مارشال شاه ولی خان، یادداشت های من، چاپ دانش کتابخانه، پشاور، صفحات ۸۶-۸۷.
- عبدالرحمن زمانی (۲۰۱۳)، بازنگری دوره امانی و تقطئه های انگلیس، ص ۳۶۰.
- اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب عاجل شماره ۲۶۷۰ مؤرخ ۸ اکتوبر ۱۹۲۹.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۸۱۱ مؤرخ ۱۹ سپتمبر ۱۹۲۹ به وزیر امور خارجه برای هند، لندن.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۹۹۹ مؤرخ ۲۶ سپتمبر ۱۹۲۹ که بتاريخ ۲۷ سپتمبر رسیده است.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۲۹۵۸ مؤرخ ۳۰ سپتمبر ۱۹۲۹.
- داکتر ویکتور گریکوویچ کارگون (۱۳۶۵) افغانستان در سالهای بیست و سی قرن بیستم میلادی (ترجمه پوهاند داکتر جلال الدین صدیقی، ص ۱۵۸).